

کاربست نظریه شکاف و گریز اجتماعی در جامعه ایرانی قرن

اول هجری

نوع مقاله: پژوهشی

کورش صالحی^۱

چکیده

تبیین شکاف‌های اجتماعی جامعه ایرانی در عصر انتقال و خلافت اموی، و به دنبال آن ظهور پدیده گریز از کانون خلافت، نیازمند تحقیقی غیرروایی و کارکردگرایانه است. با سپری شدن ایام فتوح، و عدم جذب عملی ایرانیان در جامعه جدید عرب-اسلامی و عدم تحقق تصورات ایرانیان برای تغییر کلی وضعیتشان، نه تنها شکاف‌های اجتماعی گذشته از بین نرفت، بلکه عملاً با گسترش نظام قبایلی و قرار گرفتن موالی در پایین‌ترین قسمت این ساختار، ایرانیان به عنوان اقشار فرودست از فضای جدید بهره‌ای نبردند. در این تحقیق که به روش تاریخی و بین‌رشته‌ای و در چارچوب نظریه جامعه‌شناختی شکاف و گریز انجام می‌شود، در پی پاسخ به این سؤال هستیم که شکاف‌های اجتماعی موجود در بین ایرانیان در قرن اول هجری چه تأثیری بر روند گریز آنان داشت؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شکاف‌های اجتماعی موجود در نظام اموی و ساختار قبیله‌ای آن زمینه‌های گریز لایه‌های متعدد جامعه ایرانی را از کانون قدرت فراهم نمود. سیاست‌های تبعیض‌آمیز امویان و وجود طبیعی شکاف‌های اجتماعی در جامعه ایرانی قرن اول منجر به تحقق نظریه گریز شد و این جامعه را به امید فردای بهتر آماده پذیرش دعوت عباسی کرد. واژگان کلیدی: شکاف اجتماعی، امویان، گریز اجتماعی، موالی، شعوبیه.

Asociality to the Iranian Society of the First Century A.H.

Applying the Theories of Social Gap and Kurosh Salehi²

Abstract

Explaining the theory of social gap in the Iranian society of the Umayyad transition period, and the subsequent emergence of asociality as a phenomenon in this society from the center of the caliphate can be examined by functionalist analysis. After the Islamic conquest of Iran, the new Arab-Islamic society failed to absorb Iranians. Iranians' expectations about the improvement in their general situation did not become materialized and their former social gaps not only did not disappear but with the expansion of the tribal system and their status as Mawalis in the lowest stratum, they became an underprivileged society. Using the historical method and an analytical interdisciplinary approach to the theories of social gap and asociality in sociology, the present research aims to explain the role of the social gap within Iranian society in the asociality of the first century A.H.. According to the findings of the research, the existing social gaps in the Umayyad society and asociality within Iranian social strata were caused by the Umayyad political structure. Furthermore, Umayyad discriminatory policies and the existence of social gaps within Iranian society initiated asociality and paved the way for the Abbasid reception in the hope of a better future.

Keywords: Social Gap, Umayyads, Asociality, Mawali, Shu'ubiyya.

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. *تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۲/۲۳ * تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۷/۱۷
2. Associate Professor of the Department of History, University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, I. R. Iran, Email: salehi@lihu.usb.ac.ir

مقدمه

تحلیل شکاف‌های اجتماعی جامعه ایرانی در قرن اول و به دنبال آن مشاهده مصادیق گریز از کانون قدرت اموی، با وجود سبک روایی تواریخ اولیه، نیازمند تحقیق به شیوه‌ای غیرروایی و میان‌رشته‌ای است. با سقوط حکومت ساسانی چنین تصور می‌شد که خلافت بتواند در شرایط نابه‌سامان مردمان ایرانی تغییری به وجود آورد، اما روند وقوع حوادث تاریخی در قالب ساختار قبایلی بروز یافت. با پیروزی‌های اعراب مسلمان بر سپاه ساسانی و مدافعان شهرهای مختلف، قلمرو ایران زمین به مجموعه‌ای از ایالت‌های فتح‌شده مبدل شد که والیان عرب زیر نظر خلیفه و به دستور او آنها را اداره می‌کردند. این تنزل جایگاه در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه تأثیر گذاشت. ایام فتوح بیشتر به جنگ و صلح و تکرار این روال سپری شد. اما با برآمدن امویان و ارتقای ساختار حکومت سازمانی، رفتار عرب‌ها و جایگاه ایرانیان در این حکومت مشخص‌تر گردید. دگردیسی مشهود رفتار فاتحان در دوره امویان فضای ذهنی طبقات فرودست ایرانی را با چالشی عمیق مواجه ساخت. این‌گونه رفتارها در همه نقاط ایران زمین یکسان نبود و در مناطقی نشانه‌هایی از هم‌زیستی کوتاه‌مدت موجود بود که برخی از محققین آن را سندی در جهت تعدیل دیدگاه‌های تند می‌دانند، اما روند وقایع و پیامد آنها نشان می‌دهد این موارد استثنا بوده و صرفاً در متون تاریخی‌ای که از آنها با عنوان تاریخ‌نگاری یادسپار^۱ یاد می‌شود، روایت شده است. دستاوردهای این تحقیق، بر پایه نظریه شکاف و گریز اجتماعی، نشان می‌دهد که تضادهای جامعه ایرانی با ساختار اجتماعی فاتحان از زمان فتوح تا پایان خلافت امویان مبدل به شکاف‌های عظیم اجتماعی گشت و بر اثر ناتوانی نظام امویان در جذب ایرانیان که موالی خوانده می‌شدند، سیر صعودی این شکاف‌ها بسیار قابل توجه بود. در واقع سیاست‌های تبعیض‌آمیز امویان و وفور عقاید مختلف خلافتی، علوی، خارجی، شعوبی و تفکرات قبیله‌ای در این دوران سبب گسست جامعه ایرانی شد و او را ناچار کرد برای اصلاح این وضعیت به دعوت عباسی تمایل نشان دهد.

در این تحقیق سعی شده است براساس جریان‌ها و حوادثی که در جامعه ایرانی در دوره اموی روی داد، مدلی از حرکات اجتماعی و رفتارهای حکومت اموی فراهم گردد، مدلی که نقل روایات صرف نباشد و بتواند چگونگی و روند عدم جذب این بخش نسبتاً بزرگ از قلمرو شرقی خلافت را به کمک روایات تاریخی و مطالعات اجتماعی به تصویر بکشد. چارچوب نظری تحقیق بر این نکته تأکید دارد که

۱. تاریخ‌نگاری یادسپار (mnemohistory) نوعی نگرش کلی برای قبول تاریخ‌نویسه‌هایی است که مراکز قدرت و نفوذ مؤلف آن هستند. معمولاً فاتحان مادی و معنوی برای فراموشی گذشته و حوادث نامطلوب زمان فتح و تداوم غلبه خود به این کار دست می‌زنند و از این راه سعی می‌کنند وضع موجود را

مطلوب و پذیرفته جامعه مفتوح بنمایانند. بنگرید به:

Marek Tamm, *Afterlife of Events: Perspectives on Mnemohistory* (Edinburgh: Edinburgh University Press, 2016), Bowen Savant, p. 126.

تضادهای اجتماعی موجود در جامعه ایرانی قرن اول به طور طبیعی به شکافهای عظیم اجتماعی و در نتیجه به گریز اجتماعی منجر شد.

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت که به صورت تخصصی و تحلیلی اثری در این باره تألیف نشده است، اما در برخی از مقالات اشاراتی به این موضوع وجود دارد، از جمله در مقالات «شکافهای اجتماعی اواخر دوره ساسانی و تأثیر آن در گریز لایه‌های زیرین جامعه ایرانی»^۱ (۱۴۰۰) نوشته کورش صالحی؛ «دگرگونی نظام قشربندی اجتماعی در ایران از سقوط ساسانیان تا پایان امویان»^۲ (۱۳۹۰) تألیف ساسان پور و مفتخری؛ «تأثیرات فتوح اسلامی بر جمعیت ایرانیان عراق»^۳ (۱۳۹۵) تألیف مورونی؛ «بررسی علل پراکندگی جغرافیایی زرتشتیان ایران در قرون اولیه اسلامی»^۴ (۱۳۹۶) نوشته فروزانی و حکیمی‌پور؛ «درآمدی بر صلح‌نامه‌های مسلمانان با ایرانیان در آغاز فتح ایران»^۵ (۱۳۷۹) نگارش صفری فروشانی؛ «بررسی قشربندی اجتماعی در اسلام»^۶ (۱۳۹۱) تألیف عبدالله‌پور و اسکندر جعفرزاده؛ «نقش ایرانیان در فتح ایران به دست اعراب از آغاز تا پایان سده نخست هجری قمری»^۷ (۱۳۹۰) نوشته دهقان‌پور و معصومی. این مقالات در برخی جزئیات با تحقیق حاضر همسویی دارند و از این رو در برخی مصادیق به آنها ارجاع داده می‌شود.

نظریه شکاف و گریز و کاربست آن در جامعه ایرانی قرن اول هجری

براساس تعاریف صاحب‌نظران در دانش جامعه‌شناسی، شکافهای اجتماعی در قالب‌های انتسابی، نگرشی و اعتقادی^۸، فرهنگی، اقتصادی^۹، سیاسی، بخشی^{۱۰} و خصیصه‌ای تعریف می‌شوند که در جوامع مصدر بخشی از تحولات اجتماعی به حساب می‌آیند. شکاف و به دنبال آن وقوع پدیده گریز اجتماعی

۱. کورش صالحی، «شکافهای اجتماعی اواخر دوره ساسانی و تأثیر آن در گریز لایه‌های زیرین جامعه ایرانی» *جامعه‌شناسی تاریخی*، س ۱۳، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۴۰۰)، ص ۲۱۹-۲۵۴.

۲. شهرزاد ساسان‌پور، حسین مفتخری، «دگرگونی نظام قشربندی اجتماعی در ایران از سقوط ساسانیان تا پایان امویان»، *تحقیقات اجتماعی*، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، ص ۷۹-۹۶.

۳. مایکل گ. مورونی، «تأثیرات فتوح اسلامی بر جمعیت ایرانیان عراق»، ترجمه حامد مقامی، مجتبی خالقی، خردنامه، س ۷، ش ۱۷ (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)، ص ۱۱۳-۱۶۲.

۴. سید ابوالقاسم فروزانی، اکبر حکیمی‌پور، «بررسی علل پراکندگی جغرافیایی زرتشتیان ایران در قرون اولیه اسلامی»، *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ش ۲۱ (پاییز و زمستان ۱۳۹۶)، ص ۱۸۵-۲۰۶.

۵. نعمت‌الله صفری فروشانی، «درآمدی بر صلح‌نامه‌های مسلمانان با ایرانیان در آغاز فتح ایران»، *تاریخ اسلام*، ش ۲ (تابستان ۱۳۷۹)، ص ۵۰-۱۱۹.

۶. نازی عبدالله‌پور، فریبا اسکندر جعفرزاده، «بررسی قشربندی اجتماعی در اسلام»، *مطالعات جامعه‌شناسی*، س ۴، ش ۱۵ (تابستان ۱۳۹۱)، ص ۱۵۰-۱۳۹.

۷. زهره دهقان‌پور، محسن معصومی، «نقش ایرانیان در فتح ایران به دست اعراب از آغاز تا پایان سده نخست هجری قمری»، *مطالعات تاریخ اسلام*، س ۴، ش ۱۳ (تابستان ۱۳۹۰)، ص ۶۷-۸۹.

8. D. W. Rae, M. Taylor, *The analysis of political cleavages* (New Haven: Yale University Press, 1970).

9. S. C. Flanagan, "Changing values in advanced industrial society", *Comparative Political Studies* (1982), 14 (4), p. 64.

10. H. Eckstein, "Division and cohesion in democracy: A study of Norway" (Princeton: Princeton University Press, 2015), p. 33-34.

در جوامع به عوامل مختلفی بازمی‌گردد، اما به طور نسبی وقتی در یک جامعه تضادهای اجتماعی در بلندمدت ادامه یابد، پدیده شکاف اجتماعی (social gaps) رخ می‌دهد. با بررسی جریان‌های اجتماعی و ریخت ظاهری تحولات جوامع می‌توان نشان داد که یک جامعه در یک مقطع زمانی مشخص به چند گروه متفاوت تقسیم شده است.^۱ یکی از مهم‌ترین عوامل بروز این پدیده حس عدم تعلق است که چنانچه از بین نرود یا تعدیل نشود بی‌ثباتی رخ می‌دهد و چون حکومت‌ها به تدریج قدرت کنترل این تضادهای تبدیل‌شده به شکاف را از دست می‌دهند،^۲ دامنه این شکاف‌ها گسترش می‌یابد و به مرحله گریز یعنی تغییر شکل اداره جامعه می‌انجامد.^۳ ایجاد این فرایند ناگهانی نیست، بلکه به صورت تدریجی تکامل و ظهور می‌یابد.^۴ گریزهای اجتماعی ابتدا از یک قشر و یا ناحیه جغرافیایی شروع می‌شوند و سپس به مقیاس‌های بزرگ‌تر گسترش می‌یابند و به پدیده‌ای ملی و حتی فراملی نیز می‌توانند تبدیل شوند. جامعه ایرانی دوره اموی در قرن اول هجری مملو از این قبیل تحولات با مشخصه شکاف و گریز بود که در چالش عظیم تغییرات سریع فاتحان و مهاجرت‌های قبایل عرب قرار گرفت. جامعه ایرانی در مواجهه با جامعه جدید عرب-اسلامی ترکیب قدیمی خود را از دست داد و در صورت‌بندی جدید خود در تکوین بنیان‌های ثبات اجتماعی دچار مشکل شد. فاتحان بعد از رفع نیازهای اولیه خویش به تدریج اداره امور ایالات شرقی را در دست گرفتند. مهاجرت قبایل عرب و تغییر جامعه باعث پیدایش تضادهای بزرگ شد و در اثر عدم تعدیل این تضادها، شکاف‌های اجتماعی و به دنبال آن گریز از امویان رخ داد و در نتیجه سرزمین‌های شرق خلافت به جولانگاه جریان‌های ضداموی تبدیل شد.

با وجود تأکید آموزه‌های اسلامی^۵ بر روابط عادلانه و حسنه و تلاش برای رسیدن به کمال^۶ و حذف سنن جاهلی، طبقه‌بندی جامعه در قرن اول بیشتر به نظم قبایلی عرب‌ها شباهت داشت.^۷ در آغاز جذب طبقات میانی و پایین جامعه ایرانی باعث تعامل آنان با نظام جدید شد. دهقانان و دیوانیان در حکومت جدید جایگاه سابق خویش را بازیافتند و مردمان غیرمسلمان در ازای پرداخت جزیه به این نظام پیوستند، اما دیری نپایید که تضاد بین حاکمان و ایرانیان آثار شکاف را جلوه‌گر ساخت. با وجود اینکه در شهرها

1. S. M. Lipset, R. Stein, "Cleavage Structures, Party Systems and Voter Alignments. An Introduction", In Seymour Martin Lipset & Stein Rokkan (Eds.), *Party Systems and Voter Alignments* (New York: Free Press, International Yearbook of Political Behavior Research, 1967), p. 80.

۲. عبدالعلی قوام، مهدی مال میر، «رأیه یک مدل تحلیلی برای بررسی شکاف دولت-ملت»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، دوره ۱۰، ش ۱ (زمستان ۱۳۹۳)، ص ۱۷۸.

۳. حسین بشیریه، حسین قاضیان، «بررسی تحلیلی مفهوم شکاف‌های اجتماعی»، پژوهش‌نامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۳۰ (تابستان ۱۳۸۰)، ص ۱۴۰:۶۹.

4. R. Foltz, *Religions of Iran: From Prehistory to the Present* (London: Oneworld publications, 2013), p. 13.

۵. آل عمران، آیه ۶۴.

۶. حبیب زمانی محجوب، «بررسی ورود اسلام به ایران»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ش ۲۲ (تابستان ۱۳۸۸)، ص ۱۲۱-۱۴۴.

۷. نازی عبدالله پور، فریبا اسکندر جعفرزاده، «بررسی قشربندی اجتماعی در اسلام»، مطالعات جامعه‌شناسی، س ۴، ش ۱۵ (تابستان ۱۳۹۱)، ص ۱۴۸.

اشرافیت جدید با تکیه بر سیاست و تجارت شکل گرفته بود، وضعیت در بخش روستایی جامعه چندان مناسب نبود. به طور نسبی در مناطقی که مهاجرت قبایل عرب (معاند یا موافق خلافت)، دستجات مطوعه و گروه‌های خوارج صورت گرفته بود، دهقانان و روستاییان وضع آشفته‌ای داشتند. فاتحان براساس پیوند موالات^۱ (پیوستن کسی به قبیله‌ای از عرب)، جایگاه مردم را در خلافت جدید خود مشخص می‌کردند.^۲ در زمان پس از فتوح موالی بسیاری در کوفه حضور داشتند، به گونه‌ای که در زمان معاویه (۴۰-۶۰ ق) جمعیت آنان بالغ بر بیست هزار نفر می‌شد.^۳ گفته می‌شود معاویه از فزونی آنان نگران شد و آنان را مهاجرت داد.^۴ منزلت پایین موالی^۵ و واکنش عرب‌ها به مسئله اسلام‌پذیری آنان^۶ و بروز پدیده تبعیض^۷ موالی را وادار به حرکتهای فردی علیه وضعیت غیربرابر^۸ کرد. رخدادهایی مانند ترور خلفا^۹ مهم‌ترین گواه وجود شکاف‌های اجتماعی است که جامعه صدر اسلام را تهدید می‌نمود. این تهدیدات مکرر بر حوزه شرق خلافت تأثیرات ژرفی گذاشت.^{۱۰} مشارکت موالی در قیام مختار^{۱۱} و هزینه سنگین شکست آن برای موالی و کشتار آنها توسط آل زبیر و بنی‌امیه^{۱۲}، عدم پذیرش عمومی موالی در خلافت اموی^{۱۳} و تأثیر آن بر رجعت به گذشته ایران زمین در نسل‌های دوم و سوم موالی^{۱۴} زمینه‌های تضاد و شکاف‌های بعدی را پدید آورد. این شکاف‌های اجتماعی، با وجود نگاه عدالت‌محور برخی از صحابه و تابعین، از وجود سازهای از سلسله‌مراتب نسب قبیله‌ای خبر می‌داد که برای این تازه‌واردان

۱. احمد بن محمد ابن عبدربه الأندلسی، العقد الفرید، ج ۳ (بیروت: النشر دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ق)، ص ۳۶۳؛ خلیل بن احمد فراهیدی، العین، گردآورنده محسن آل عصفور، تحقیق ابراهیم سامرائی و مهدی مخزومی، ج ۸ (قم: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق)، ص ۴۵۵.
 ۲. فراهیدی، ص ۴۵۵.
 ۳. محمدحسین الزبیدی، الحیاه الاجتماعیه و الاقتصادیه فی الکوفه فی القرآن الاول هجرى (بغداد: انتشارات جامعه بغداد، ۱۹۷۰)، ص ۷۵-۸۷.
 ۴. احمد بن یحیی، فتوح البلدان، برگردان و مقدمه از دکتر محمد توکل (تهران: انتشارات نقره، ۱۳۳۷)، ص ۱۶۹-۱۷۰.
 ۵. دهقان‌پور، معصومی، ص ۷۰.
 ۶. جمال جوده، اوضاع اجتماعی-اقتصادی موالی در صدر اسلام، ترجمه مصطفی جباری، مسلم زمانی (تهران: نشر نی، ۱۳۸۳)، ص ۱۷۴؛ حسین مفتخری، «اوضاع سیاسی، مذهبی ایران در آستانه ظهور اسلام»، تاریخ اسلام، ش ۲ (تابستان ۱۳۸۱)، ص ۸۱-۸۸.
 ۷. فاطمه معتمد لنگرودی، محمدرضا بارانی، «تحلیل جامعه‌شناختی جنبش مختار ثقفی»، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، س ۹، ش ۳۳ (بهار ۱۳۹۸)، ص ۷۰؛ جوده، ص ۱۶۷.
 ۸. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۳ (تهران: اساطیر، ۱۳۶۵)، ص ۲۶۳.
 ۹. طبری، ج ۵، ص ۲۰۲۷.
 ۱۰. رسول جعفریان، تاریخ تسع در ایران (تهران: نشر علم، ۱۳۸۷)، ص ۱۲۴.
 ۱۱. عباس حسن خانی، «خليفة كشي في صدر اسلام، امويان و موضع گیری در برابر قتل خلفای راشدین (۴۰-۲۳ق)»، تاریخ‌نامه خوارزمی، س ۱، ش ۴ (تابستان ۱۳۹۳)، ص ۷۷.
 12. J. Wellhausen, "The Religio-political Factions in Early Islam [1901]", Translated by Ostle, Robin; Walzer, Sofie (Amsterdam: North-Holland Publishing Company, 1975), pp. 134-139.
- قتل عام موالی در واقعه سرکوب مختار و نبردهای ملزار و حرورا؛ بنگرید به:
- H. N. Kennedy, *The Prophet and the Age of the Caliphates: The Islamic Near East from the 6th to the 11th Century* (Oxford and NewYork: Routledge, 2016), p. 83.
۱۳. مفتخری، «اوضاع سیاسی، مذهبی ایران در آستانه ظهور اسلام»، ص ۸۷.
 ۱۴. شکرالله خاکرند، پروین‌دخت جهان‌کهن، «مقش شعوبیه در برانگیختن (طبقات) ایرانیان برای حضور در حرکتهای مخالف دولت اموی»، جستارهای تاریخی، س ۱۰، ش ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۸)، ص ۱۵۸.

جایی به جز پیوند موالات در نظر نمی‌گرفت. بنابراین، زمینه‌های گریز موالی از جامعه عربی و توجه آنان به جریان‌های تساوی‌جویانه را در پی داشت.

شکل‌گیری جریان اهل تسویه دلیلی بر وجود شکاف‌های بزرگ اجتماعی بود که تداوم آن به پیدایش نهضت شعوبیه منجر شد. چندی بعد از فروکش کردن ایده‌های آرمانی مبتنی بر عدالت و بروز بن‌بست در روابط موالی و عرب‌ها و تشدید رفتارهای تبعیض‌آمیز امویان، ناامیدی بر موالی مستولی شد و آنان را به سوی تفکرات شعوبیه^۱ سوق داد. این شکاف به سرعت نشانه‌های گریز را در خود آشکار نمود که بازخوردی از عدم پذیرش موالی و اعاجم در ساختار جامعه قرن اول خلافت بود و نتیجه کوتاه آن ایجاد آگاهی و تلاش برای رهایی از درماندگی در لایه‌های پایین جامعه ایرانی بود. بدین ترتیب، در تحلیل نظریه گریز ایرانیان به سوی جریان‌های ضد اموی باید گفت که عدم پذیرش موالی و استفاده ابزاری از آنها و تأکید بر حفظ قدرت قبایلی و تحلیل بردن توان کلی ایرانیان با تغییر شکل جامعه و ایجاد اختلافات عمیق در بین آنها (شکاف) عامل اصلی این امر بود.

الف. شکاف‌های اجتماعی و بررسی نظریه گریز در حکومت والیان و خلافت بنی‌امیه

کارکرد شکاف‌های اجتماعی در مرزبندی‌های جامعه و گروه‌های مختلف آن مشخص می‌شود.^۲ شکاف اجتماعی در افراد دسته‌بندی شده در قالب هویت جمعی خودآگاه شکل می‌گیرد و در قالب شکاف‌های نظامند ظهور سازمانی پیدا می‌کند.^۳ در جریان سقوط ساسانیان که نتیجه نسبی شکاف‌های متعدد در جامعه ساسانی بود، منابع این دوره بیشتر به هجوم عرب‌های مسلمان، توطئه‌های درباری، جابه‌جایی تخت و تاج ساسانی و سرانجام مرگ زودهنگام یزدگرد اشاره کرده‌اند، اما آنچه در واقعیت رخ داده بسیار فراتر بوده است. اثرات شکاف‌های متعدد بر پیوستن لایه‌های جامعه ایرانی به جامعه جدید عرب اسلامی در قرن اول، در منابع به صورت جسته‌وگریخته آمده و مسائل مهم‌تر بر آن سایه افکنده است. از آنجایی که مسلمانان هم علاقه‌مند بودند تمام پیروزی‌ها را در سایه دین و قهرمانان حماسی ثبت کنند، این چرخش‌های کلان در بازسازی فضای تاریخی مورد بررسی قرار نگرفتند و البته این امر از قالب تواریخ روایی خارج است. در جامعه پس از فتوح، در بعد سیاسی و اداری، تنها تفاوت ساختاری بزرگی که رخ می‌دهد حذف خاندان شاهی از رأس هرم جامعه ایرانی و تبدیل قلمرو ایران زمین به ایالات متعدد خلافت است. البته جامعه ایرانی دچار تغییرات بنیادینی همچون تغییر تدریجی دین نیز می‌گردد. محقق

۱. عبدالمحمد آیتی، «شعوبیه پیشاهنگان نهضت استقلال‌طلبی ایران»، آموزش و پرورش، ش ۱۱۹ (دی ۱۳۴۹)، ص ۷؛ ممتحن، ص ۱۸۸.

2. Lipset, Stein, p. 80.

3. L. Gallagher, *Representative government in modern Europe: Institutions parties and governments* (New York: MacGraw Hill, 2006) pp. 264- 265; S. Bartolini, P. Mair, *Identity, competition and electoral availability* (London: Cambridge University Press, 2007), p. 215.

این دوره ناچار است روایات منابع این دوره را قسمتی از داده‌های تاریخی محسوب کند و به روش‌های دیگر و با دیدی کلان به بازسازی فضای تاریخی و بررسی عملکرد نیروهای بپردازد که منشأ شکاف‌ها و گریزهای اجتماعی در جامعه ایرانی از دوره فتوح تا سقوط امویان بوده‌اند. محقق این دوره با مسائلی روبه‌رو است که خود عامل شکاف‌های اجتماعی بوده و یا در ظهور شکاف‌های اجتماعی آن دوران نقش مهمی داشته و به گریزهای اجتماعی منجر شده‌اند، مسائلی نظیر لایه‌های اجتماعی جذب‌شده به سوی جامعه جدید اسلامی، تقسیم مردمان به عرب و عجم (نظریه نَسَب) و تقسیم عرب به عاربه و مستعربه در چپش‌های خلافت (نظریه ساختار قبایلی) در ایران^۱، تأثیر نظریه رهبری قریش^۲ و اثرات آن بر صورت‌بندی جامعه ایران، ایجاد لایه‌های اجتماعی مخالف با حکومت اموی در سطوح مختلف مانند موالی، دهقانان، فقیهان منتقد حکام اموی، قبایل مهاجر به ایران، مطوّعه، شعوبیه، خوارج، علویان، خراسانیان و عباسیان.

این روند در جامعه ایرانی قرن اول با تجربه تفاوت‌ها و تبعیض‌ها در ساختار جامعه خلافت شروع گردید. در مرحله دوم، بر اثر این تجربه نوعی احساس هویت مشترک بین گروه‌های موالی و عموماً ایرانیان ایجاد شد و در مرحله سوم، مجموعه‌ای از فعالیت‌های سازمان‌یافته برای رهایی از چنین وضعیتی شکل گرفت. در یک برداشت کلی، از دو تفکر سیاسی اواخر ساسانی و حکومت اموی، به دلیل عملکرد مشابه، در بُعد مدیریت کلان اجتماعی نتیجه اجتماعی مشترکی ظاهر شد که آن تبدیل تضادها به شکاف اجتماعی و سپس بروز گریز از هر دو نوع حکومت بود. گزیت در دوره ساسانی و جزیه در دوره اموی کارکرد و نتیجه مشابهی داشتند.^۳ در الگوی تقسیم غنائم نیز وضع به همین گونه بود. در روند تقسیم بیت‌المال که بر قرابت و وجود سابقه شرکت در غزوات^۴ تأکید می‌شد، لایه‌های بسیاری از جامعه جدید، به‌خصوص ایرانیان، جایگاهی نداشتند و به‌رغم آموزه‌های اسلامی، رفتار حکومت با ایرانیان، با کمی تغییر در ظاهر، همچنان به شیوه طبقاتی بود. مشخص است که به‌عنوان سابقه این کنش، نیروهای گریز از حکومت که موفق به زوال ساسانیان از درون شده بودند، به علت ناتوانی در احیای خود و همکاری توده‌های پایین‌دست با فاتحان، همراه با نحله‌های معاند خلافت که به ایران زمین مهاجرت کرده بودند، به روند گریز از خلافت در ایالات مختلف به‌خصوص در مناطق شرقی و شمالی ایران دامن زدند. در واقع

۱. منصوره زارعان، «قومیت‌گرایی در عصر امویان»، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، س ۴، ش ۱۴ (تابستان ۱۳۹۳)، ص ۱۰۱.
 ۲. سید جعفر شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام از آغاز تا نیمه نخست سده چهارم (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی و مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۸)، ص ۵.
 ۳. علی ناظمیان فرد، «سقیفه، بازتولید سیادت جاهلی»، پژوهش‌های تاریخی، س ۳، ش ۴ (زمستان ۱۳۹۰)، ص ۱۰۲.
 ۴. غلامحسین صدیقی، جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵)، ص ۱۹-۲۰.
 ۵. ابویوسف، کتاب الخراج، تحقیق طه عبدالرؤف سعد و سعد حسن محمد (قاهره: تبه الأزهریه کالم، ۱۹۹۹)، ص ۵۳-۵۵.
 ۶. فروزانی، حکیمی‌پور، ص ۱۹۴.

گریز اجزا از حکومت که در دوره ساسانی ایجاد شده بود، در جامعه قرن اولی نیز به دلیل عدم جذب این نیروها متوقف نشد و در وجوه مختلف دینی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ادامه یافت. در بررسی مفهوم شکاف‌های اجتماعی، برخی از دانشمندان شکاف‌های اجتماعی را از نظر تأثیرگذاری به سه نوع فعال، نیمه‌فعال و غیرفعال تقسیم می‌کنند. در مرحله غیرفعال، نیروها براساس تفاوت‌ها تفکیک می‌شوند. در مرحله نیمه‌فعال، نیروهای تفکیک‌شده براساس تفاوت‌ها در یک مقطع زمانی خاص به رقابت و تقابل با هم می‌پردازند و در مقاطع دیگر غیرفعال می‌شوند و در مرحله فعال نیروهای تفکیک‌شده، تقریباً به طور دائم، دارای پتانسیل‌هایی برای بسیج سیاسی، سازماندهی و تقابل می‌شوند.^۱ براساس این تعریف، و با توجه به مستندات منابع، می‌توان گفت نوع شکاف‌های اجتماعی جامعه ایرانی در قرن اول مشخصاً از شکاف‌های غیرفعال به شکاف‌های فعال تغییر کرد.

ب. شکاف‌های قومی و بررسی نظریه گریز در حکومت والیان و خلافت بنی‌امیه

در تعریف شکاف‌های قومی گفته می‌شود که این نوع شکاف‌ها از جمله شکاف‌های هویتی هستند که از تفاوت‌های نژادی، زبانی و فرهنگی اقوام مختلف سرچشمه می‌گیرند و البته بر اثر کسب نیرو و مقبولیت به لحاظ تاریخی می‌توانند به ایجاد دولت-ملت‌ها و غلبه و حاکمیت قومی خاص بر اقوام دیگر ختم شوند.^۲ در یک تحلیل کلی می‌توان گفت روش برخورد امویان با مهاجران عرب و رقابت و نزاع موجود بین شاخه‌های جنوبی و شمالی و تفاوت نظر فاتحان اولیه با والیان و فاتحان بعدی باعث ظهور شکاف‌های قومی شد.^۳ عرب‌ها منافع بسیاری در سرزمین ایران (عموماً از نظر دام‌پروری و تجارت) داشتند و به همین دلیل، رفتارهای آنان با ایرانیان اعم از جذب یا طرد به نوعی شکاف منجر می‌شد.^۴ این نوع شکاف‌ها معمولاً نتیجه رقابت و منازعه بر سر هنجارها، باورها، ارزش‌ها، شأن و منزلت، اقتدار اجتماعی و... هستند.^۵ این مرزبندی‌ها گروه‌هایی را در سطح جامعه به تعارض و تقابل با یکدیگر می‌کشاند و چنانکه در تاریخ ایران معمول است، با زوال و سقوط حکومت مرکزی، مجموعه‌ای از فعالیت‌های محلی و قومی برای گسترش منافع روی می‌دهد و امنیت مردمان و فضای اقتصادی و اجتماعی به هم می‌ریزد.

۱. حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی (تهران: نشر نی، ۱۳۹۷)، ص ۱۰۰.

2. R. J. Dalton, "Citizen Politics: Public Opinion and Political Parties in Advanced Industrial Democracies" (Washington: CQ Press, 2013).

۳. بنگرید به: طبری، ج ۵، ص ۱۸۰۷ و ص ۱۸۳۵. از جمله فرار مردم از جلو فاتحان اولیه و سپس بستن قرارداد با والیان عرب؛ رقابت‌های قبیله‌ای در خراسان ج ۶؛ حمایت از جنبش عباسی، ج ۷.

۴. حسن بن محمد قمی، تاریخ قم، تصحیح جلال‌الدین تهرانی (تهران: توس، ۱۳۶۱)، ص ۲۴۲-۲۴۳؛ ابونعیم اصفهانی، ذکر اخبار اصفهان، ترجمه نورالله کسایی (تهران: سروش، ۱۳۷۷)، ص ۱۳۹، ۱۴۱؛ علی بن زید بیهقی ابن فندق، تاریخ بیهقی، تصحیح احمد بهمنیار (تهران: فروغی، بی‌تا)، ص ۱۲۴-۱۲۵.

۵. بشیریه، ص ۹۹.

به دنبال فتح اعراب، در اکثر مناطق ایران که زادبوم اقوام بود، این تغییرات صورت گرفت. مثلاً دیلمیان تا مناطق ری و قم و حواشی کویر به غارت اموال دهقانان می‌پرداختند.^۱ دهقانان قم از قبیله اشعر طبق قراردادی کمک طلبیدند و بعد از مدتی با رفع مشکل دیلمیان، قبیله اشعر شبانه تمام دهقانان و متمولین شهر را کشتند و خود رسماً صاحب اموال و املاک آنان شدند^۲ و بعدها با برپایی مسجدی در محل آتشکده و ترویج عقاید خود، ساختار این شهر را تغییر دادند.^۳ در سیستان دو قبیله مهاجر عرب بنی تمیم و بنی بکر وائل نظم جامعه را به هم ریختند.^۴ جدیع کرمانی یکی از رؤسای قبایل مهاجر به ایران بود که بر ضد امویان جنگید.^۵ قبایل عرب با مهاجرت به نواحی جنوب ایران ساختار این مناطق را به نفع خود تغییر دادند. مثلاً حسکه بن عتاب حبطی با همراهی عمران بن فصیل برجمی از فراریان (غیر قبایلی)، لشکری بیاراست و راهی سیستان شد و تا مدت‌ها امنیت مردمان این ناحیه را بر هم زد. حضور مطوعه و خوارج در سیستان عامل شدت گرفتن فعالیت عیاران شد.

در بخارا عرب‌ها، برای فرونشاندن قیام‌های مکرر، بر هر منزل عربی را اسکان دادند تا بر مردم بخارا نظارت نماید و تغییر آداب را اعمال کند.^۶ در استخر فارس نیز ساکنان ناآرام شهر چندین مرتبه سرکوب شدند.^۷ در منابع نمونه‌های بسیاری در این خصوص در خوزستان، قزوین، بخارا، اصفهان،^۸ کرمان^۹ و... مشاهده می‌شود. این موارد باعث فعال شدن شکاف‌های قومی در بین تازه‌واردان و ساکنان قبلی جامعه شد.^{۱۰} اما به جز ایرانیان و وابستگان به قوم عرب، ترکان نیز این شکاف را احساس می‌کردند و در نواحی شرقی به خصوص ماوراءالنهر^{۱۱} به کُروف می‌پرداختند. این موارد نشان می‌دهد شکاف‌ها می‌توانند مرزهای تقسیم‌کننده یک جامعه براساس تفاوت نژادی، زبانی، مذهبی، سنتی، مدرن و طبقاتی باشند و دارای نوعی نقش اجتماعی هستند که به اشکال مختلف در جامعه نمایان می‌شوند.^{۱۲} جات و سیایچه از نژادهای ساکن در دره سند بودند که در دوره ساسانی در امور نظامی شهری و مرزبانی خدمت می‌کردند و ردپای

۱. قمی، ص ۲۵۵.

۲. همان، ص ۳۸.

۳. همان، ص ۲۴۸.

۴. تاریخ سیستان، تصحیح محمدتقی بهار (تهران: کلاله خاور، ۱۳۶۶)، ص ۲۷۶.

۵. خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه بن خیاط، ج ۱ (بیروت: بی‌نا، ۱۹۹۵)، ص ۳۱۴.

۶. محمد بن جعفر نرشخی، تاریخ بخارا، تصحیح مدرس رضوی (تهران: نشر توس، ۱۳۶۳)، ص ۵۴.

۷. نگین میری، «دناوم و افول سنت‌های پیش از اسلام و زرتشتی‌گری در فارس در سده‌های میانه اسلامی بر مبنای شواهد تاریخی»، تاریخ ایران، دوره

۱۱، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۷)، ص ۱۴.

۸. طبری، ج ۵، ص ۲۱۴۷-۲۱۴۸.

۹. همان، ص ۲۱۵۶.

۱۰. محمد محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران، در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج ۳ (تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۹)، ص ۳۷۱.

۱۱. و. بارتولد، ترکستان‌نامه، ترجمه کریم کشاورز (تهران: آگاه، ۱۳۶۶)، ص ۴۱۱.

آنان در بصره به هنگام فتوح در منابع مسطور است.^۱ آنان نیز مانند سایر اعاجم به شکاف اجتماعی و گریز دچار شدند.^۲ قفص که در منابع به اشکال مختلفی چون قفس، کوچ، کفج، کوفج و کوفج نیز آمده و نام قومی است همراه با قوم بلوچ و به صورت کوچ و بلوچ هم آمده است، در اصل طوایفی بودند که ظاهراً در جیرفت و نواحی جبال بارز سکونت داشتند و به راهزنی در این نواحی می‌پرداختند.^۳ به علاوه، کردها، ارمنیان، گرجیان و... نیز در چنین وضعی از شکاف‌های قومی و گریز اجتماعی قرار داشتند. تبعیض آشکار علیه ایرانیان در خلافت اموی، به مرور باعث افزایش نارضایتی آنان و اشتراک مواضع ایشان با دیگر مخالفان خلافت در اشکال شعوبی، خارجی و علوی گردید که هر کدام یک شکاف اجتماعی بزرگ در جامعه نخستین اسلامی به حساب می‌آمدند. شرکت این عناصر در قیام مختار، قیام زید بن علی و طرفداری از فرزندش یحیی، و قیام ابومسلم از جمله اقدامات آنان در گریز از خلافت اموی بود.

ج. شکاف‌های دینی و بررسی نظریه گریز در حکومت والیان و خلافت بنی‌امیه

در جامعه ایرانی قرن اول پدیده‌ای که رفتار بین حاکم و مردم را تعریف می‌کرد، صبغه‌ای دینی داشت. واژگان فتوح، غنائم، انفال، جزیه، خراج و عشر در تعابیر دینی تعریف می‌شد. تسلیم و اسلام‌آوری مردم نقش مهمی در رفتار حاکمان با آنان داشت. اما همین مسئله نیز در دو مقطع حکومت والیان و دوره امویان با هم متفاوت است. در دوره امویان شکاف‌های دینی به مراتب رو به افزایش نهاد. در یک تعریف، شکاف‌های دینی و مذهبی به معنای دسته‌بندی بین پیروان ادیان و مذاهب مختلف موجود در یک جامعه است. هرچه جوامع نقش پررنگ‌تری به دین و مذهب بدهند، میزان این شکاف‌ها نیز بیشتر می‌شود.^۴ موضع انفعالی دین زرتشتی و تساهل مذهبی مسلمانان در ابتدای فتوح، باعث همکاری موبدان با جامعه اسلامی شد.^۵ این روش برای موبدان به معنای حفاظت از دینشان و برای مسلمانان در حکم معاهده با غیرمسلمانان بود و باعث تسریع فتوح و تضمین آرامش در قلمرو جدیدشان می‌شد. تسلیم شدن هیرید نهاوند^۶، هیرید دارابگرد^۷، هیرید فسا^۸، هیرید حاکم استخر^۹، موبد موبدان سیستان^{۱۰} در منابع ذکر شده است.

۱. طبری، ج ۶ ص ۲۳۸۰.

۲. محمدی، ج ۳، ص ۲۱۲.

۳. طبری، ج ۵، ص ۲۰۱۶؛ تاریخ سیستان، ص ۸۶-۸۷؛ محمدابراهیم خبیثی، سلجوقیان و غز در کرمان (تهران: طهوری، ۱۳۴۳)، ص ۵.
4. G. Evans, K. Northmore-Ball, "Long-term factors: Class and religious cleavages", In *The routledge handbook of elections. Voting behavior and public opinion* (London: Routledge, 2017), p. 15.

۵. برتولد اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، ج ۱ (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹)، ص ۳۲۷.

۶. طبری، ج ۵، ص ۱۹۵۴-۱۹۵۵؛ ابن اعثم کوفی، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی (تهران: انتشارات انقلاب اسلامی ۱۳۷۲)، ج ۱، ص ۳۵۶.

۷. احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل (تهران: انتشارات نقره، ۱۳۳۷)، ص ۵۴۱.

۸. همان، ص ۵۴۳.

۹. ابن بلخی، فارسنامه، به کوشش علی نقی بهروزی (شیراز: اتحادیه مطبوعاتی فارس، ۱۳۴۳)، ص ۲۷۶.

۱۰. تاریخ سیستان، ص ۸۲.

اما این رویکرد ایام فتوح با تسلط عمومی مسلمانان بر متصرفاتشان تغییر کرد. واکنش‌های بعدی عرب‌ها و تغییر در روند اخذ جزیه از غیرعرب‌ها و بدرفتاری با اهل ذمه^۱ شکاف‌های دینی را فعال نمود. گروهی از زرتشتیان در گریز از این شکاف به هند^۲ و ترکستان مهاجرت کردند.^۳ گروهی هم مسلمان شدند اما از مزایای مسلمانی در خلافت اموی بهره‌ای نبردند و بنابراین جذب جامعه جدید خلافت نشدند. مانویان و مزدکیان هم سرنوشت بهتری نداشتند.^۴ در دوره اموی ادیان زرتشتی، مانوی، مزدکی، صابئی، مسیحی و یهودی که قبل از اسلام مرسوم بودند، همچنان ادامه حیات دادند و در دین اسلام نیز سه گرایش خلافتی^۵، خارجی^۶ و علوی^۷ در ایران زمین پیروان بسیاری داشتند. با مهاجرت عرب‌ها به ایران انبوهی از عقاید جامعه اسلامی به ایران زمین سرازیر شد که با وجود اشتراک در منشأ، در تضاد با یکدیگر بودند و همین باعث چندگانگی در بافت عقیدتی ایرانیان به عنوان نومسلمان شد و به پیدایش گروه‌های کوچک و بزرگ با ساختار شکاف و گریز انجامید. خوارج اولین و مهم‌ترین نحله ضدخلافت همراه با اصل تکفیر دیگر مسلمانان بود.^۸ بعد از آن گرایش‌های علوی با مهاجرت‌های فردی یا جمعی به این سرزمین وارد شدند که به خلافت موجود به دیده موافق نگاه نمی‌کردند و آن را غصب‌شده می‌دانستند. بعدها، با ترکیب ادیان قبلی و اسلام، ادیان نوالتقاطی در ایران زمین پدید آمدند.

در یک تحلیل جامع، تکرر شدیدی در عقاید ایرانیان در دوره خلافت اموی به وجود آمد که علت آن عدم جذب نیروهای ایرانی در ساختار جامعه اسلامی بود. اگرچه بسیاری از فقهای اسلامی ریشه ایرانی داشتند اما این برای عموم ایرانیان امتیازی در خصوص پذیرششان در جامعه جدید به حساب نمی‌آمد. از نظر کارکرد این فرق و نحله‌های مهاجر به ایران می‌شود گفت بر اثر این مهاجرت‌های کلان در دوره اموی، ترکیب تفکر دینی در ایران زمین متنوع و متکثر شد. تنوع نحله‌ها و مذاهب در ایران زمین به قدری زیاد بود که عباسیان ناگزیر بودند برای حصول به نتیجه، از یک دعوت پنهان با شعار رضای من آل محمد (ص) و از قیامی عمومی استفاده کنند.^۹ به طور نسبی، بدرفتاری امویان با اهل ذمه و ترکیب ناهمگون ادیان و مذاهب در قلمرو شرقی خلافت که با هجوم معاندان عقیدتی به ایالات ایران گسترش یافت، باعث رنجش شدید زرتشتیان از امویان گردید. با تبدیل عامدانه چند آتشکده به مسجد و رواج

۱. همان، ص ۹۲-۹۳.

۲. بلاذری، ۱۳۳۷، ص ۵۴۶.

۳. حمیدرضا پاشازانوس، احسان افکنده، «وایسین ساسانیان در تخارستان و چین و ژاپن»، پژوهش‌های تاریخی، ش ۴، پیاپی ۲۸ (زمستان ۱۳۹۴)، ص ۴۸.

۴. صدیقی، ص ۱۱۰-۱۱۱؛ ویلفرد مادلونگ، فرقه‌های اسلامی، ترجمه ابوالقاسم سری (تهران: اساطیر، ۱۳۹۰)، ص ۲۶-۲۷.

۵. مادلونگ، ص ۳۵.

۶. همان، ص ۹۳.

۷. همان، ص ۱۲۷.

۸. طبری، ج ۷، ص ۳۲۶۱.

۹. محمد الله اکبری، «الرضا من آل محمد»، تاریخ اسلام، ش ۸ (زمستان ۱۳۸۰)، ص ۳۴.

تعصبات و عدم حذف جزیه برای نومسلمانان عجم^۱ زمینه فعال شدن شکاف‌های دینی و وقوع پدیده گریز از دین حاکم فراهم گردید.

د. شکاف‌های اقتصادی و بررسی نظریه گریز در حکومت الیان و خلافت بنی‌امیه

نابرابری اقتصادی در بین جوامع در دوره‌های مختلف تاریخی، بسته به ساختارهای اقتصادی هر جامعه، متفاوت است. نابرابری‌های اقتصادی از لحاظ درآمد (فرصت)، ثروت (انباشت) یا شکاف اقتصادی (تضاد شدید اقتصادی) قابل بررسی است و اساس نابرابری‌های اقتصادی بر این سه عامل استوار است.^۲ انواع منابع درآمد، فرصت انباشت و نداشتن تضاد و تعارض اقتصادی در جامعه، به‌خصوص در مشرق‌زمین، وابستگی بسیاری به ساختار حکومت داشته است. از این رو، به‌جز در مقاطعی کوتاه و شاید دیده‌نشده در منابع، پدیده حامی‌پروری (Rent) براساس محوریت قبیله یا خاندان شاهی که قدرت را به دست می‌آورد، امری رایج بوده که تضاد و شکاف اقتصادی به بار می‌آورد است. حامی‌پروری و شبکه‌های آن مهم‌ترین شکل فساد در حکومت‌هاست.^۳ ناتوانی در کسب مشروع قدرت و عدم رشد قانونی تجمعات مردمی، و در کنار آن وفور منابع اقتصادی عمومی که متعلق به کل جامعه است، اما کاربردی خاص می‌یابد، مساعدترین محیط برای رشد شبکه‌های حامی‌پرور و مفسد آن خواهد بود.^۴ برای همین، حکومت‌های حامی‌پرور در تاریخ تکیه بسیاری بر اشتغال نزدیکان و انحصار اقتصاد به صورت‌های مختلف داشته‌اند، از جمله انباشت ثروت، واگذاری زمین‌های بزرگ (اقطاع)، انحصار مراتع و مناطق به وابستگان خود و افزایش ملاکین در روستاها و شهرها از طرق مختلف دیوانی. ساخت حاشیه‌ای امن از حامیان همراه با بوروکراسی حجیم بهترین فرصت را برای تحقق روابط متقابل بین حامی و حامی‌پرور به وجود می‌آورد.^۵ از نظر کارکرد، خلافت اموی براساس ساختار قبیله‌ای و رعایت اصل حامی‌پروری بنا شده و رفتار اقتصادی آن با جامعه ایرانی قرن اول هم بر همین مبنا بود.

امویان ناگزیر بودند در بافت اقتصادی جامعه ایرانی، هم به جهت انتفاع و همه به جهت تضعیف هر گونه مخالفت، تغییرات اساسی صورت دهند. از این رو، به رونق تجارت و شهرنشینی در جامعه ایران پرداختند.^۶ دهقانان در روستاها گروه‌هایی از کشاورزان و دام‌پروران را در اختیار داشتند که بر اثر تعامل با

۱. غیداء خزنه کاتبی، الخراج من الفتح الاسلامی حتی اواسط القرن الثالث الهجری، ج ۱ (بیروت: الممارسات و النظریه، ۲۰۰۱)، ص ۱۴۰.
 2. M. A. Fletcher, "Research ties economic inequality to gap in life expectancy", Washington Post, Retrieved March 10 (2013).

۳. محمد خضری، محسن رنایی، «رانت‌جویی و هزینه‌های اجتماعی آن»، نامه مفید، ش ۴۵ (آذر و دی ۱۳۸۳)، ص ۹۰.

۴. پل هیوود، فساد سیاسی، ترجمه محمد طاهری و میرقاسم بنی‌هاشمی (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱)، ص ۳۲.

۵. سوزان رز آکرمن، فساد و دولت: علت‌ها، پیامدها و اصلاح، ترجمه منوچهر صبوری (تهران: نشر پردیس دانش، ۱۳۸۵)، ص ۳۹۰.

۶. حسین مفتخری، تاریخ ایران از ورود مسلمانان (تهران: سمت، ۱۳۸۷)، ص ۷۹.

عرب‌ها و رواج امنیت وضع اقتصادی بهتری یافتند.^۱ از سویی با کنار رفتن موبدان و اشرافیت ساسانی، اموال و املاک آنان به تصرف عاملان خلافت درآمد. قبایل مهاجر عرب، در نتیجه جنگ و فتح مناطق، در شهرها و روستاها صاحب املاک شدند و نیز قسمت‌هایی از حواشی بیابان‌های ایران را برای پرورش شتر و بز تصرف کردند.^۲ به تدریج بخش‌های وسیعی از اراضی دهقانی به دلایل متعدد به اشراف سببی و نسبی عرب رسید. در این دوره دهقانان، نظامیان، دبیران، بازرگانان و صنعتگران جایگاه قبلی اقتصادی خود را حفظ کردند، اما اقشار متوسط و فرودست ذمی وضعیت مطلوبی نداشتند و به خاطر رفتارهای سرد والیان عرب همچنان گرفتار شکاف فعال اقتصادی بودند. با اوج‌گیری سیاست‌های مالی اموی و تحمیل جزیه و مالیات سنگین بر موالی، شکاف شدید اقتصادی پدیدار شد.^۳ تفاوت میزان پرداخت عَشْر برای اشراف عرب و پرداخت خراج، و در صورت عدم پذیرش اسلام پرداخت جزیه، فشار اقتصادی زیادی بر موالی و ایرانیان وارد می‌کرد.^۴ افزایش مالیات‌ها توسط امویان و دریافت‌های خودسرانه عمال، باعث هجوم روستاییان به شهرها^۵ و مسلمان شدن برخی برای فرار از پرداخت خراج زمین و جزیه سرانه شد.^۶ در تحلیل شکاف‌های اقتصادی مربوط به این دوره باید گفت در ابتدای دوره اسلامی تغییر محسوسی در وضع اقتصادی جامعه در حال گذار هویدا شد، اما فاتحان ممالک مفتوحه را به حال و روش سابق رها نکردند. روند تغییر وضعیت اقتصادی ایران زمین از دوره شاخه مروانی خلافت اموی شدت گرفت. این جدای از توسعه تجارت و ایجاد بازارهای جدید در ایران بود که چرخه اقتصادی قدیم را نیز در اختیار خود گرفته بود. گرچه محققان بر این نکته متفق‌اند که دیانت زرتشتی بر تولید کشاورزی و دامپروری تأکید داشت و دین اسلام بر تجارت و بازار، اما فضای اجتماعی و اقتصادی چنان در این دوره تغییر کرد و با جابه‌جایی‌های کلان جمعیتی و نژادی، کفه ترازو به نفع فاتحان سنگین شد که در پایان قرن اول اکثر منابع اقتصادی و زمین‌های گسترده کشاورزی در اختیار اعراب و وابستگان آنها قرار داشت. منشأ این تغییر کلان جابه‌جایی گسترده زمین‌های معاهده‌ای بود که یا به دلیل شورش مصالحه‌کنندگان به صورت اراضی مفتوح‌العنه درآمد یا بر اثر آمیزش و اختلاط مردم با جامعه فاتح به اجبار تغییر مالکیت داده بودند.^۷ گریز اقتصادی جامعه ایرانی قرن اول در قالب مهاجرت یا شورش و پناه بردن به جریانات

۱. احمد بن یحیی بلاذری، *فتوح البلدان*، ترجمه آذرتاش آذرنوش (تهران: نشر سروش، ۱۳۶۴)، ص ۲۷.

۲. آلتون دانیل، *تاریخ سیاسی اجتماعی خراسان در زمان حکومت عباسیان*، ترجمه مسعود رجب‌نیا (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳)، ص ۱۱-۱۶.

۳. اشپولر، ج ۱، ص ۲۴۱.

۴. مطهر بن طاهر مقدسی، *البدء و التاريخ*، چاپ کلمان هوار، ج ۲ (تهران: افست، ۱۹۶۲)، ص ۶۰۱.

۵. ابن عبدربه، ج ۳، ص ۲۶۲.

۶. قدامه بن جعفر، *کتاب الخراج و صنعت الکتابه*، چاپ حسین خدیوچم (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳)، ص ۱۶۱ ابوالحسن مسعودی، *مروج الذهب و*

معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲ (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴)، ص ۲۶۱.

۷. بنگرید به: صفری فروشانی، ص ۵۰-۱۱۹.

ضد اموی قابل بررسی است. مهاجرت زرتشتیان در داستان سنجان^۱، شرکت موالی در قیام مختار^۲، شرکت ایرانیان در قیام ابن اشعث^۳، پناه دادن به خوارج^۴ و علویان^۵ و پیدایش اندیشه شعوبی^۶ و جذب ایرانیان به دعوت عباسی^۷ از مهم‌ترین مصادیق این گریز است.

ح. شکاف‌های سیاسی و بررسی نظریه گریز در حکومت والیان و خلافت بنی‌امیه

شکاف‌ها در سطح جامعه هم نشانگر تقسیم‌بندی جامعه به دستجاتی با هویت‌ها و منافع متعدد است و هم بیانگر تقابل و تنشی است که این دستجات بر سر منافع با یکدیگر پیدا می‌کنند.^۸ ایران‌زمین در قرن اول هجری مملو از نگرش‌های متعدد سیاسی بود. دسته‌بندی جریان‌های اثرگذار نظیر مهاجران عرب، موالی، خوارج، علویان، شعوبیه و قبایل رقیب در این مقطع بسیار مشخص است. مدل حکومت در دوره فتوح تا سقوط امویان، تقریباً تا برآمدن ابومسلم، را می‌توان مدلی با ساخت قدرت اضمحلالی و ناکارا برشمرد. و شاید بتوان دوره امارت زیاد بن ابیه^۹ و حجاج بن یوسف^{۱۰} بر عراق را، با اندکی تسامح، دوره نظم جباری با استفاده از اهرم فشار و سرکوب به حساب آورد. به هر حال، در تحلیل کارکرد ساختار حکومت اموی نمی‌توان به نشانه‌ای از ثبات و توافق جمعی در سطوح مختلف جامعه دست یافت. اگرچه گاه‌گاهی امویان برای مدتی کوتاه زمام امور را در دست می‌گرفتند، اما با توجه به ضعف ساختار، شکست بر سیاست‌های آنان مستولی بود و مدام ناگزیر بودند گروه دیگری را جایگزین کنند.^{۱۱} در واقع این مدل معرف جوامع ازهم‌گسیخته و مملو از تضاد است که احتمال شکنندگی در آنها بالاست. بنابراین، ظرفیت پایین خلافت و نبود وحدت رویه سیاسی در جامعه سبب شد نظم عمومی در ایران‌زمین شکل نگیرد و در نتیجه امکان شکاف و حتی تضاد، بیشتر از نوع تضاد اجتماعی، بین گروه‌های مختلف بسیار زیاد شود. روایات مربوط به دوره گذار نشان می‌دهد چهره سیاسی این مقطع پر از شکاف‌ها و گریزهای مختلف است، به نحوی که تشخیص یک نوع اتفاق و رویه مشترک تقریباً ناممکن است: دخالت فرماندهان

۱. فرهنگ ارشاد، مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹)، ص ۱۴۶.

2. M. Watt, "Shi'ism under the Umayyads", *Journal of the Royal Asiatic Society* (1960), 10 Iss. 3-4, pp. 158-172.

۳. عبدالکریم گلشنی، «ابن اشعث»، در *دانشنامه بزرگ اسلامی*، ج ۳ (تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۶).

۴. حسین مفتخری، «خوارج در ایران»، مقالات و بررسی‌ها، ش ۶۱ (تابستان ۱۳۷۶)، ص ۱۳۷-۱۵۶.

۵. محمدی، ج ۱، ص ۳۲، ۳۳.

6. R. P. Mottahedeh, "The Shu'ubiyah Controversy and the Social History of Early Islamic Iran", *International Journal of Middle East Studies*, Cambridge University Press, Vol. 7, No. 2 (Apr. 1976), pp. 161-182.

۷. بنگرید به: محمد الخضری، *تاریخ ام اسلامیة (الدولة العباسیة)* (مصر: مکتبه التجاریه الکبری، ۱۹۶۹م).

8. Y. Dar, R. Erhard, Nura Resh, "Perceiving social cleavages and inequalities" (University of Michigan: Youth Society, 1998), Vol. 30 (1), p. 34.

۹. ابن عبدالبر، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، ج ۲ (بیروت: دارالجلیل، ۱۴۱۲ق)، ص ۲۲۵.

۱۰. محمد بن عبدوس هشیاری، *الوزراء و الكتاب* (القاهرة: مطبعة عبدالله اسماعیل الصاوی، ۱۹۳۸)، ص ۲۶.

۱۱. غلامرضا انصاف‌پور، *روند نهضت‌های ملی و اسلامی در ایران از اسلام تا یورش مغول* (تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹)، ص ۹-۱۱.

نظامی ساسانی برای سلطه بر حکومت و امور کشور، عدم واکنش به موقع آنان در مقابله با عرب‌ها و به‌ویژه نقش انفعالی رستم فرخزاد^۱، پیوستن دیلمان به مسلمانان در جنگ قادسیه^۲، ضعف مدیریت نظامی و کشته شدن فرماندهان سپاه ساسانی و فرار بعضی دیگر، تسلیم شدن هرمزبان و افشای اسرار نظامی^۳، شکست ایرانیان در نبرد نهاوند و کشته شدن فیروزان به‌عنوان آخرین اهرم مقاومت جامعه ساسانی در برابر عرب‌ها^۴، عدم اتحاد اشراف درجه‌یک، به‌خصوص هفت خانواده، و ترسیدن از حملات پی‌درپی عرب‌ها^۵، تسلیم شدن‌های ایرانیان که به‌مراتب بیشتر از مقاومت‌هایشان بود^۶، تصور موقتی بودن سلطه عرب‌ها^۷، تلاش‌های پراکنده و دیر هنگام برای مقابله با تسلط عرب‌ها^۸ و به دنبال آن سرکوب و کاهش شدید شورش‌های ایرانیان علیه خلافت در دوره اموی^۹، سیاست انفعالی پیوستن به هر قیام و خیزش علیه امویان که بر ضد نگرش تبعیضی آنان بود^{۱۰} و مسلمان شدن تدریجی ایرانیان^{۱۱}. اما در این فضای تاریخی چند مصداق بارز در تعامل ایرانیان با عرب‌ها قابل توجه است. یکی اینکه فاتحان عرب متوجه نیازشان به ثبت و ضبط اطلاعات خود در دیوان‌ها و دفاتر اداری شدند و میراث ساسانی دیوان پهلوی را به خدمت گرفتند^{۱۲} و البته به خاطر همین نیاز، حضور دیوانیان در تمام دوره اموی و قسمتی از دوره عباسی تداوم یافت، گرچه آنان به صورت ابزاری برای اجرای امور خلافت درآمدند. تبحر ایرانیان در امر دیوان مورد توجه زیاد بن ابیه هم بود. چنانکه آنان را سزاوارترین کسان در امور خراج و دیوان می‌دانست^{۱۳} حجاج برای تسلط بیشتر بر دیوان، قصد ترجمه آن را داشت. در این میان، دو نگاه به این موضوع در بین ایرانیان غالب بود که بر مبنای نظریه گریز قابل توجه است^{۱۴}: یکی نگرش همکاری با فاتحان که عامل آن صالح بن عبدالرحمن سجستانی^{۱۵} بود و دیگری عدم ترجمه دیوان که مردانشاه پسر زادن فرخ مدافع آن بود. براساس روایات، صالح بن عبدالرحمن سجستانی، در

۱. جمشید گرشاسب چوکسی، ستیز و سازش، مسلمانان غالب و زرتشتیان مغلوب، ترجمه نادر میرسعیدی (تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵)، ص ۷۵.

۲. بلاذری، ۱۳۳۷، ص ۳۹۹.

۳. طبری، ج ۵، ص ۱۹۰۲-۱۹۰۳؛ ابن اعثم، ص ۲۲۵.

۴. طبری، ج ۵، ص ۱۹۵۸-۱۹۵۹؛ ابن اعثم، ص ۲۲۹-۲۵۲.

۵. بلاذری، ۱۳۳۷، ص ۵۷۰-۵۴۱؛ طبری، ج ۵، ص ۲۰۱۵-۱۹۷۷؛ ابن اعثم، ص ۲۸۳.

۶. ابن اعثم، ص ۲۸۴-۲۸۲.

۷. طبری، ج ۵، ص ۲۱۸۵.

۸. طبری، ج ۶، ص ۲۱۸.

۹. صدیقی، ص ۴۶.

۱۰. دینوری، اخبار الطوال، ترجمه محمود دامغانی (تهران: نشر نی، ۱۳۷۱)، ص ۳۳۸.

۱۱. بلاذری، ۱۳۳۷، ص ۴۴۰-۴۵۲.

۱۲. هشیاری، ص ۶۷.

۱۳. ابن واضح یعقوبی، البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، ج ۲ (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷)، ص ۱۶۸.

۱۴. ریچارد فرای، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا (تهران: نشر سروش، ۱۳۶۳)، ص ۱۶۷.

۱۵. بلاذری، ۱۳۳۷، ص ۴۲۴.

جهت خواسته امرای عرب عراق، دیوان را به زبان عربی درآورد، گرچه برخی از دبیران ایرانی این امر را به سود خود نمی‌دانستند. این سخن نشانهٔ بیزاری دبیران از اوست: «خداوند ریشه‌ات را از زمین برکند، همان‌گونه که ریشهٔ پارسی را برکندی.»^۱ از این رو، صالح برای ادامهٔ این کار به تربیت شاگردانی پرداخت و به تدریج بیشتر دبیران دیوان عراق از شاگردان او شدند.^۲ خدمات صالح در ترجمهٔ دیوان، گذشته از دیوان خراج و امور فنی آن، از نظر استواری در فن نویسندگی به زبان عربی هم مشهور شد.^۳ بعدها عبدالحمید بن یحیی، کاتب دیوان رسائل که از بزرگان و صاحبان سبک در نثر عربی بود، از خدمات صالح به زبان و کتابت عربی قدردانی کرد. صالح همیشه از گزند حجاج به ترفندی می‌گریخت. بعد از مرگ حجاج، او همچنان بر مسند دیوان عراق بود تا سلیمان بن عبدالملک او را به سمت بالاتر، یعنی عامل خراج عراق، منصوب نمود.^۴ صالح در زمان خلافت یزید بن عبدالملک، برای راهنمایی عمر بن نبیره، امیر عراق، دربارهٔ مسائل خراج نزد وی رفت، اما با وجود سفارش خلیفه در خصوص امنیت جانی وی، عمر او را کشت.^۵ نزاع لفظی مردانشاه و صالح بر سر ترجمهٔ دیوان و دفاتر به عربی را می‌توان نمونه‌ای از مصادیق نظریهٔ گریز در جامعهٔ قرن اول دانست. این نزاع برخاسته از تضاد میان دو نوع نگرش به جامعهٔ ایرانی بود: یکی حفظ سنن و ابزار جامعهٔ مفتوح و دیگری تغییر و حل شدن در جامعهٔ فاتح.

مصادیق دیگر ماجرای اسارت و اسلام‌آوری هرزمان یکی از فرماندهان سپاه ایران است که مشاوره‌های بسیار سودمندی به فاتحان می‌داد. در این ماجرا نیز کارکرد گریز اتفاق افتاده است. هرزمان در جنگ شوشتر فرمانده لشکر ساسانی بود. بعد از اولین تهاجم سراسری مسلمانان، بیشتر شهرهای اطراف تیسفون با قبول پرداخت خراج و جزیه صلح کردند، اما پس از مدتی بر فاتحان شوریدند. هرزمان مصمم بود با تکیه بر برج و باروی مستحکم شوشتر، و اندوختن آذوقه، در مقابل اعراب مقاومت کند. خلیفهٔ دوم وقتی از تجمع نیرو در شوشتر اطلاع یافت، ابوموسی اشعری را با سپاهی بزرگ به جنگ هرزمان فرستاد.^۶ جنگ در اطراف شهر با حملات مکرر اعراب و وسایل دفاعی ایرانیان (خارهای سه پهلوی آهنین) ادامه یافت تا در نهایت به پناه بردن ایرانیان به حصار شهر انجامید. در پی چندین ماه محاصره، سپاه عرب خسته شد. اما پیری از ساکنان شهر، در قبال امنیت خود و بستگانش، راه مخفی ورود به حصار شهر را به عرب‌ها نشان داد. شهر با این ترفند فتح گردید^۷ و هرزمان به داخل ارگ عقب نشست.

۱. بلاذری، ۱۳۶۴، ص ۴۲۵.

۲. هشیاری، ص ۳۹.

۳. علی بن محمد ماوردی، *الاحکام السلطانیة*، تحقیق احمد المبارک بغدادی (کویت: دارالکتبیه، ۱۹۸۹)، ص ۲۶۵-۲۶۶.

۴. کامل سلمان الجبوری، *معجم الأدباء من العصر الجاهلی حتی سنه ۲۰۰۲*، ج ۳ (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۳)، ص ۱۸۷-۱۸۶.

۵. خیرالدین بن محمود زرکلی، *الاعلام الزرکلی*، ج ۳ (بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۰)، ص ۱۹۲.

۶. دینوری، ص ۱۳۳.

۷. تورج دریایی، *سقوط ساسانیان*، ترجمهٔ منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی (بی‌جا: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۱)، ص ۸۸.

ابوموسی به شرط امان دادن به هرمزان، قلعه را فتح کرد و او را نزد خلیفه دوم فرستاد و ۹۰۰ نفر از سربازان ایرانی را گردن زد.^۱ خلیفه دوم از کشتن هرمزان صرف نظر کرد ولی برای او تاوان سنگینی بست. هرمزان بعدها مسلمان و مشاور خلیفه دوم گردید. اما سرانجام به اتهام قتل خلیفه دوم، توسط عبیدالله بن عمر، به همراه فرزند و همسرش به قتل رسید. ماجرای برده شدن او به مدینه و مماشات خلیفه دوم با وی و بعدها داستان مسلمان شدن و قرار گرفتنش در سلک مشاوران خلیفه دوم^۲ روندی از گریز از جامعه ساسانی به سوی جامعه جدید اسلامی را به تصویر می کشد. در این سرگذشت که در منابع منعکس شده چند نکته قابل توجه است. اول اینکه چرا ابوموسی تمام سربازان همراه هرمزان را گردن زد اما تعیین تکلیف او را به خلیفه سپرد؟ به گفته منابع خلیفه قصد کشتن او را داشت ولی از این کار منصرف شد. به نظر می رسد وجود او برای آشنایی با شیوه های جنگی و دستیابی به اطلاعات نظامی، به عنوان فردی باتجربه، از کشته شدنش به مراتب ارزشمندتر بوده است. مطالعه مشاوره هایی که هرمزان به خلیفه و سرداران سپاه مسلمان داده نیز گویای همین امر است: راهنمایی های او در تأسیس دیوان^۳، مشاوره او در تأسیس دیوان سپاه^۴، و وضع مبدایی برای تاریخ^۵ و مشاوره هایی که برای شناخت دقیق تر فاتحان از وضع عمومی و نظامی ممالک مفتوحه جدید در اختیار مسلمانان قرار داد. حقیقت این بود که کانون جدید قدرت برای پیشبرد امور خود به افرادی از اجزای جدا شده از کانون قدرت قبلی (ساسانیان) نیاز داشت و بعد از مراحل گذار، نیاز به تسلط بیشتر بر آنها داشت، چرا که این عناصر از نظر اجزای کانون قدرت جدید (قبایل متنفذ عرب) بیگانه بودند. این مسئله در بعضی رویدادها قابل مشاهده است، مانند کشتن محافظان ایرانی بیت المال بصره توسط عبدالله بن زبیر قبل از جنگ جمل^۶، حضور موالی در کوفه و بصره که عمدتاً در زمره موالی بنی تمیم بودند و دوشادوش عرب ها در جنگ ها با ایرانیان شرکت جستند^۷. آنان چون در دوره ساسانی شغلشان حفاظت از دستگاه های دولتی و پادگان ها بود^۸، در دوره اموی نیز در ممالک مفتوح به حفاظت از مراکز دولتی و دیوانی چون دارالاماره، بیت المال و زندان ها و نیز راه ها گمارده شدند^۹. اینها نمونه هایی از روند گریز ایرانیان به سوی جامعه جدید بود که بعد از دوره کوتاه گذار، در جامعه جدید جذب نشدند. شرکت موالی در حرکت های ضد اموی و هویدا شدن گفتمان های

۱. آ. ای کولسنیکف، *ایران در آستانه یورش تازیان*، ترجمه م. ر. یحیایی (تهران: نشر آگه، ۱۳۵۵)، ص ۱۶۱.

۲. ریچارد ن. فرای، *تاریخ باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب نیا (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸)، ص ۵۳۵.

۳. ابن طقطقی، *تاریخ فخری* (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷)، ص ۱۱۲ و ۱۱۳.

۴. همان، ص ۱۱۳.

۵. ابن سعد، *الطبقات الکبری* (بیروت: دار صادر، بی تا)، ص ۲۸۱.

۶. بلاذری، ۱۳۲۷، ص ۵۲۲-۵۲۵.

۷. همان، ص ۵۱۹-۵۲۲، ۵۳۱-۵۳۳، ۵۳۳-۶۱۵.

۸. محمدی، ج ۳، ص ۲۱۲.

۹. محمد خوارزمی، *مفاتیح العلوم*، به کوشش ابراهیم آبیاری (بیروت: بی تا، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹م)، ص ۱۴۳.

شعوبی، خارجی و علوی گواهی محکم بر عدم جذب ایرانیان در جامعه قرن اولی و گریز از جامعه تحت حکومت امویان است.

نتیجه گیری

از بررسی روند شکاف و گریز در جامعه قرن اول هجری چنین به دست می آید که بسیاری از اجزای جامعه در دوره گذار در مسیر گریز قرار می گیرند. بررسی روایات موجود در منابع یادسپار تاریخی این مقطع از طریق مطالعات کلان نگر و میان رشته‌ای، صورت‌بندی شفاف‌تری از جامعه قرن اول به دست می‌دهد. اجزای این جامعه انتقالی دچار بی‌انسجامی و تضاد منافع اقتصادی و عقیدتی بود و تغییرات کلان اجتماعی به جای آنکه بر پایه شعایر اسلامی باشد، بر اساس سنن قبیل‌های صورت می‌گرفت. فاتحان بعد از تسلط بر اداره امور ایالات، در تلاش برای تغییر جایگاه دبیران ایرانی بودند. اندکی بعد، با مهاجرت قبایل عرب (موافق یا معاند)، شکل جدیدی به جامعه ایرانی قرن اول تحمیل شد که از پیامدهای آن پیدایش تضادهای بزرگ اجتماعی، قومی، دینی، سیاسی، اقتصادی و تبدیل آنها به شکاف‌های بزرگ اجتماعی بود. این مهاجران ضمن رونق شهرنشینی و تجارت عموماً به صورت بزرگ‌مالکان در نواحی نیمه‌بیابانی درآمدند. حضور خوارج، علویان و امیران و قبایل آنان در ایران مراکز قدرت جدیدی را در قرن اول ایجاد نمود که باعث تنوع شکاف‌های مذهبی و اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی شد و پیامد آن بروز پدیده گریز بود. دهقانان، دبیران و گروهی عظیمی از فرودستان خود را با وضعیت جدید وفق داده بودند، اما این به معنای وجود فضایی مناسب برای رشد و رونق امور کلی آنان نبود. در چنین شرایطی، با روی کار آمدن امویان، ایرانیان با پدیده گریز روبه‌رو شدند. برخی به جریانات ضد خلافت پیوستند که این نشانه نارضایتی آنان از وضعیت موجودشان بود. شرکت ایرانیان و موالی در جریان اهل تسویه که به بعدها به نهضت فرهنگی شعوبیه مبدل گشت، شاهدهی بر مدعای شکاف و گریز در قرن اول است. همچنین سرگذشت صالح بن عبدالرحمن سجستانی، هرمزان و نگهبانان دارالاماره‌ها و... نمونه‌هایی از روند گریز به سوی جامعه جدید هستند. در شرایط قرن اول، امویان درگیر خطر جدا شدن ایران از خلافتشان نبودند، بلکه مسئله اصلی مقاومت‌های جامعه ایرانی در برابر رفتار والیان و عمال مالیاتی بود و همین عامل باعث به وجود آمدن شکاف‌های مختلف می‌شد. در قرن اول، اندیشه احیای حکومت ایران شهری بسیار ضعیف بود، چرا که با وجود نظریات رهبری (خلافتی، علوی و خارجی) و امید به تحولات جامعه جدید اسلامی، طرفداران عملی حکومت ایران شهری در موقعیت ضعیفی قرار داشتند. حس تنفر از عرب‌ها بیشتر در بین سربازانی از موالی رواج داشت که موقعیت پایین‌تری از نیروهای

جنگی عرب داشتند و از غنائم و موقعیت‌های موجود سهمی نمی‌بردند. رفتار اقتصادی حکومت اموی در جهت افزایش نفوذ عرب‌های موافق و کاستن از نیروی اقتصادی ایرانی بود. دریافت جزیه (حتی از نومسلمانان) و خراج (خُمس) از ایرانیان و در مقابل دریافت عُشر (یک‌دهم) از عرب‌ها یا معافیت مالیاتی آنان نمونه‌ای از این شکاف اقتصادی بود. بنابراین، ماحصل رویدادهای قرن اول هجری نویدبخش تحقق آمال و آرزوهای ایرانیان در زمان سقوط ساسانیان نبود. به‌زودی نتایج ائتلاف انرژی و نیروهای جامعه قدیم در جامعه جدید که امویان آن را مدیریت می‌کردند، در لایه‌های مختلفی از طبقه‌بندی جامعه خلافتی ظهور کرد که نتیجه‌آنی آن گریز ایرانیان به سوی هر نوع نظریه معاند بود. چنانکه در نهایت آنان را آماده پذیرش دعوت عباسی کرد که در قالب شعار رضای من آل محمد (ص) به تجمیع مخالفان اموی در ایران می‌پرداخت.

کتابنامه

اکرم، سوزان رز. *فساد و دولت؛ علت‌ها، پیامدها و اصلاح*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر پردیس دانش، ۱۳۸۵. آبتی، عبدالمحمد. «شعوبیه پیشاهنگان نهضت استقلال‌طلبی ایران»، *آموزش و پرورش*، ش ۱۱۹، دی ۱۳۴۹، ص ۹-۶.

ابن اعثم کوفی. *الفتوح*، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴. ابن بلخی. *فارسنامه*، به کوشش علی نقی بهروزی، شیراز: اتحادیه مطبوعاتی فارس، ۱۳۳۳. ابن سعد، محمد. *الطبقات الكبرى*، بیروت: دار صادر، بی‌تا.

ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا. *تاریخ فخری*، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.

ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله. *الاستیعاب فی معرفه الاصحاح*، بیروت: دارالاجیل، ۱۴۱۲ق.

ابن عبدربه الأندلسی، احمد بن محمد. *العقد الفرید*، ج ۳، بیروت: النشر دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ق.

ابن فندق، ابوالحسن علی بن زید بیهقی. *تاریخ بیهقی*، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: فروغی، بی‌تا.

ابونعیم اصفهانی. *ذکر اخبار اصفهان*، ترجمه نورالله کسایی، تهران: سروش، ۱۳۷۷.

ابویوسف، قاضی یعقوب بن ابراهیم. *کتاب الخراج*، تحقیق طه عبدالزؤف سعد و سعد حسن محمد، قاهره: تبه الأزهریه کالم، ۱۹۹۹.

ارشاد، فرهنگ. *مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹.

الله‌اکبری، محمد. «الرضا من آل محمد»، *تاریخ اسلام*، ش ۸، زمستان ۱۳۸۰، ص ۵-۴.

انصاف‌پور، غلامرضا. *روند نهضت‌های ملی و اسلامی در ایران از اسلام تا یورش مغول*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹.

بارتولد، واسیلی و لادیمیریویچ. *ترکستان‌نامه*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: آگاه، ۱۳۶۶.

بشیریه، حسین و حسین قاضیان. «بررسی تحلیلی مفهوم شکاف‌های اجتماعی»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی دانشگاه*

- شهید بهشتی، ش ۳۰، تابستان ۱۳۸۰، ص ۳۹-۷۴.
- بلاذری، احمد بن یحیی. *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل، تهران: انتشارات نقره، ۱۳۳۷.
- _____ *فتوح البلدان*، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: نشر سروش، ۱۳۶۴.
- پاشازانوس، حمیدرضا و احسان افکنده. «واپسین ساسانیان در تخارستان و چین و ژاپن»، *پژوهش‌های تاریخی*، س ۵۱، ش ۴، زمستان ۱۳۹۴، ص ۴۵-۶۰.
- تاریخ سیستان*، تصحیح محمدتقی بهار، تهران: کلاله خاور، ۱۳۶۶.
- الجبوری، کامل سلمان. *معجم الأدباء من العصر الجاهلی حتى سنه ۲۰۰۲*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۳.
- جعفریان، رسول. *تاریخ تشیع در ایران*، تهران: نشر علم، ۱۳۸۷.
- جوده، جمال. *اوضاع اجتماعی-اقتصادی موالی در صدر اسلام*، ترجمه مصطفی جباری، مسلم زمانی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.
- چوکسی، جمشید گرشاسب. *ستیز و سازش، مسلمانان غالب و زرتشتیان مغلوب*، ترجمه نادر میرسعیدی، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵.
- حسن‌خانی، عباس. «خلیفه کشی در صدر اسلام، امویان و موضع‌گیری در برابر قتل خلفای راشدین (۴۰-۲۳ق)»، *تاریخ‌نامه خوارزمی*، س ۱، ش ۴، تابستان ۱۳۹۳، ص ۷۵-۹۷.
- خاکرند، شکرالله و پروین دخت جهان‌کهن. «نقش شعوبیه در برانگیختن (طبقات) ایرانیان برای حضور در حرکت‌های مخالف دولت اموی»، *جستارهای تاریخی*، س ۱۰، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۳۱-۱۶۲.
- خبیثی، محمدابراهیم. *سلجوقیان و غز در کرمان*، تهران: طهوری، ۱۳۴۳.
- الخصری، محمد. *تاریخ امم اسلامیة (الدولة العباسیة)*، مصر: مکتبه التجاریه الکبری، ۱۹۶۹م.
- خضری، محمد و محسن رنانی. «رانت‌جویی و هزینه‌های اجتماعی آن»، *نامه مفید*، ش ۴۵، آذر و دی ۱۳۸۳، ص ۸۰-۴۵.
- خلیفه بن خیاط. *تاریخ خلیفه بن خیاط*، چاپ مصطفی نجیب فواز و حکمت کشلی فواز، ج ۱، بیروت: بی‌نا، ۱۹۹۵.
- خوارزمی، محمد. *مفاتیح العلوم*، به کوشش ابراهیم آبیاری، بیروت: بی‌نا، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م.
- دانیل، التون. *تاریخ سیاسی اجتماعی خراسان در زمان حکومت عباسیان*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- دریایی، تورج. *سقوط ساسانیان، فاتحان خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان*، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی، بی‌جا: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۱.
- دهقان‌پور، زهره و محسن معصومی. «نقش ایرانیان در فتح ایران به دست اعراب از آغاز تا پایان سده نخست هجری قمری»، *مطالعات تاریخ اسلام*، س ۴، ش ۱۳، تابستان ۱۳۹۰، ص ۶۷-۸۹.
- دینوری، ابوحنیفه. *اخبار الطوال*، ترجمه محمود دامغانی، تهران: نی، ۱۳۷۱.
- زارعان، منصوره. «قومیت‌گرایی در عصر امویان»، *پژوهش‌نامه تاریخ اسلام*، س ۴، ش ۱۴، تابستان ۱۳۹۳، ص ۷۹-۱۰۵.

الزبیدی، محمدحسین. *الحیاه الاجتماعیه و الاقتصادیه فی الکوفه فی القرآن الاول هجری*، بغداد: انتشارات جامعه بغداد، ۱۹۷۰.

زرکلی، خیرالدین بن محمود. *الاعلام الزرکلی؛ قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین*، ج ۳، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۰.

زمانی محجوب، حبیب. «بررسی ورود اسلام به ایران»، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، ش ۲۲، تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۲۱-۱۴۴.

شهیدی، سید جعفر. *تاریخ تحلیلی اسلام از آغاز تا نیمه نخست سده چهارم*، تهران: علمی و فرهنگی و مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۸.

صدیقی، غلامحسین. *جنبش های دینی ایرانی در قرن های دوم و سوم هجری*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵.
صفری فروشانی، نعمت‌الله. «درآمدی بر صلحنامه‌های مسلمانان با ایرانیان در آغاز فتح ایران»، *تاریخ اسلام*، ش ۲، تابستان ۱۳۷۹، ص ۵۰-۱۱۹.

طبری، محمد بن جریر. *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ۱۳۶۵.
عبدالله‌پور، نازی و فریبا اسکندر جعفرزاده. «بررسی قشربندی اجتماعی در اسلام»، *مطالعات جامعه‌شناسی*، س ۴، ش ۱۵، تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۵۰-۱۳۹.

فراهیدی، خلیل بن احمد. *العین*، گردآورنده محسن آل عصفور، تحقیق ابراهیم سامرائی و مهدی مخزومی، ج ۸، قم: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.

فرای، ریچارد. *عصر زرین فرهنگ ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: نشر سروش، ۱۳۶۳.
_____ *تاریخ باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
قمی، حسن بن محمد. *تاریخ قم*، تصحیح جلال‌الدین تهرانی، تهران: توس، ۱۳۶۱.

قوام، عبدالعلی و مهدی المامیر. «ارائه یک مدل تحلیلی برای بررسی شکاف دولت-ملت»، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، س ۱۰، ش ۱، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۵۷-۱۹۷.
کاتبی، غیداء خزنه. *الخروج من الفتح الاسلامی حتی اواسط القرن الثالث الهجری*، ج ۱، بیروت: الممارسات و النظریه، ۲۰۰۱.

کولسنیکف، آ. ای. *ایران در آستانه یورش تازیان*، ترجمه م. ر. یحیایی، تهران: نشر آگه، ۱۳۵۵.
گلشنی، عبدالکریم. «ابن اشعث»، در *دانشنامه بزرگ اسلامی*، ج ۳، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۶.
مادلونگ، ویلفرد. *فرقه‌های اسلامی*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: اساطیر، ۱۳۹۰.

ماوردی، علی بن محمد بن حبیب. *الاحکام السلطانیه*، تحقیق احمد المبارک بغدادی، کویت: دارالکتبیه، ۱۹۸۹.
محمدی ملابری، محمد. *تاریخ و فرهنگ ایران*، ج ۱ و ۳، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۹.
مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین. *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.

معتمد لنگرودی، فاطمه و محمدرضا بارانی. «تحلیل جامعه‌شناختی جنبش مختار ثقفی»، *پژوهش‌نامه تاریخ اسلام*،

س ۹، ش ۳۳، بهار ۱۳۹۸، ص ۵۱-۷۵.

مفتخری، حسین. «خواجه در ایران»، مقالات و بررسی‌ها، ش ۶۱، تابستان ۱۳۷۶، ص ۱۳۷-۱۵۶.
_____ «اوضاع سیاسی، مذهبی ایران در آستانه ظهور اسلام»، *تاریخ اسلام*، س ۱۰، ش ۲، تابستان ۱۳۸۱، ص ۸۸-۱۰۰.

_____، *تاریخ ایران از ورود مسلمانان*، تهران: سمت، ۱۳۸۷.

مقدسی، مطهر بن طاهر. *البدء والتاریخ*، چاپ کلمان هوار، تهران: افست، ۱۹۶۲.

ممتحن، حسینعلی. *نهضت شعوبیه*، تهران: کتاب‌های جیبی، ۱۳۷۰.

ناظمیان فرد، علی. «سقیفه، بازتولید سیادت جاهلی»، *پژوهش‌های تاریخی*، س ۳، ش ۴، زمستان ۱۳۹۰، ص ۹۷-۱۱۲.
میری، نگین. «تداوم و افول سنت‌های پیش از اسلام و زرتشتی‌گری در فارس در سده‌های میانه اسلامی بر مبنای شواهد تاریخی»، *تاریخ ایران*، س ۱۱، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۴۱-۱۶۰.

نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر. *تاریخ بخارا*، تصحیح مدرس رضوی، تهران: نشر توس، ۱۳۶۳.

هشیار، محمد بن عبدوس. *الوزراء و الکتاب*، القاهرة: مطبعة عبدالله اسماعیل الصاوی، ۱۹۳۸.

هیوود، پل. *فساد سیاسی*، ترجمه محمد طاهری و میرقاسم بنی‌هاشمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.
یعقوبی، ابن واضح. *البلدان*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷.

Bartolini, S., P. Mair. *Identity, competition and electoral availability*, London: Cambridge University Press, 2007.

Dar, Y., R. Erhard, Nura Resh. "Perceiving social cleavages and inequalities", University of Michigan: Youth Society, 1998, Vol. 30 (1), pp. 32-58.

Eckstein, H. "Division and cohesion in democracy: A study of Norway", Princeton: Princeton University Press, 2015, p. 33-34.

Evans G., K. Northmore-Ball. "Long-term factors: Class and religious cleavages", In *The routledge handbook of elections. Voting behavior and public opinion*, London: Routledge, 2017.

Flanagan, S. C. "Changing values in advanced industrial society", *Comparative Political Studies*, 1982, 14 (4), pp. 403- 444.

Fletcher, M. A. "Research ties economic inequality to gap in life expectancy", Washington Post. (March 23, 2013).

Foltz, R. *Religions of Iran: From Prehistory to the Present*, London: Oneworld publications, 2013.

Gallagher, L. *Representative government in modern Europe: Institutions parties and governments*, NewYork: MacGraw Hill, 2006.

Kennedy, H. N. *The Prophet and the Age of the Caliphates: The Islamic Near East from the*

6th to the 11th Century, Oxford and NewYork: Routledge, 2016.

Lipset, S. M., R. Stein. "Cleavage Structures, Party Systems and VoterAlignment", In Seymour Martin Lipset & Stein Rokkan (Eds.), *Party Systems and VoterAlignments*, NewYork: 1967, pp. 1-64.

Mclean, I., M. Alistair. *The concise oxford dictionary of politics*, Oxford University Press, 2009.

Mottahedeh, R. P. "The Shu'ubiyah Controversy and the Social History of Early Islamic Iran", *International Journal of Middle East Studies*, Cambridge University Press, Vol. 7, No. 2, Apr. 1976, pp. 161-182.

Tamm, Marek. *Afterlife of Events: Perspectives on Mnemohistory*, Edinburgh: Edinburgh University Press, 2016.

Rae, D. W. & M. Taylor. *The analysis of political cleavages*, New Haven: Yale University Press, 1970.

Watt, M. "Shi'ism under the Umayyads", *Journal of the Royal Asiatic Society*, 1960 (3-4): pp. 158-172.

Wellhausen, J. "The Religio-political Factions in Early Islam [1901]", Translated by Ostle, Robin; Walzer, Sofie, Amsterdam: North-Holland Publishing Company, 1975.

